

## سرواژه‌سازی در زبان فارسی و سرواژه‌های مصوّب فرهنگستان زبان و ادب فارسی\*

سید مهدی سمائی (استادیار پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران)

از بسیاری از اصطلاحات و اسامی زبان‌های مهم خارجی سرواژه ساخته شده است. این سرواژه‌ها گاهی از صورت کامل خود شناخته شده‌تر و رایج‌ترند و حتی، به جای آن، وارد دیگر زبان‌ها می‌شوند. فارسی‌زبانان برای برخی از این سرواژه‌ها معادل‌هایی ساخته‌اند. در فرهنگستان زبان و ادب فارسی نیز، برای بعضی از سرواژه‌های علمی معادل‌هایی ساخته شده است.

سرواژه‌های فارسی ویژگی‌هایی دارند که در این مقاله به اجمال به آنها پرداخته شده است. این مقاله شامل سه بخش است: مقدمه‌ای درباره سرواژه‌سازی و اصطلاحات آن؛ ویژگی‌های سرواژه‌سازی فارسی؛ و بررسی شیوه‌های سرواژه‌سازی در واژه‌های مصوّب فرهنگستان زبان و ادب فارسی.

### مقدمه

سرواژه‌سازی نوعی واژه‌سازی و یکی از اشکال اختصارسازی است که، در آن، با حروف آغازین کلمات و ترکیب آنها، کلمه‌ای جدید ساخته می‌شود (ARONOFF & FUDEMAN 2005, p. 114).

\* این مقاله خلاصه گزارشی است که نگارنده در پاییز ۱۳۸۹ درباره مسائل سرواژه‌شناسی به گروه واژه‌گزینی فرهنگستان زبان و ادب فارسی عرضه کرده است.

در اغلب منابع، بر سر این تعریف کلی اتفاق نظر هست (CRYSTAL, p. 1; BAUER 1996, p. 237). در برخی منابع نیز بین سرواژه‌الگو<sup>۱</sup> و الفباسازی‌الگو<sup>۲</sup> تفاوت قایل شده‌اند. صورتی نظیر FIAT را، که مانند کلمات معمولی خوانده می‌شود، سرواژه‌الگو و صورتی مانند MGB را، که با تلفظ حرف به حرف خوانده می‌شود، الفباسازی‌الگو خوانده‌اند (RUH, p. 677). الفباسازی‌الگو را اغلب آغازسازی<sup>۳</sup> می‌نامند. در اغلب تعاریف، این معنی نیز نهفته شده که آغازسازی یکی از اشکال سرواژه‌سازی است؛ اما گاهی نیز این دو را تلویحاً مستقل از هم دانسته‌اند (ALQEO, p. 3). در بعضی منابع، الفباسازی و آغازسازی را مترادف دانسته‌اند (CRYSTAL, p. 1) ولی، در اغلب منابع، فقط اصطلاح آغازسازی به کار رفته است.<sup>۴</sup>

از ساختار صرفی کلمه سرواژه‌سازی برمی‌آید که این لفظ به ساختن واژه با حرف آغازین واژه‌ها دلالت می‌کند. این اصطلاح، در زبان فارسی، تا حدی با تسامح و از روی ساختار صرفی معادل لاتینی آن ساخته شده است<sup>۵</sup> -تسامح بدین معنی که سرواژه‌سازی همیشه با حرف آغازین کلمات ساخته نمی‌شود و گاهی نیز چند حرف آغاز واژه یا حروفی از میان و انتهای واژه برای ساختن سرواژه به کار می‌رود. اما سرواژه‌ای که فقط با حرف اول کلمات ساخته شده باشد متعارف‌ترین نوع آن است. این نوع متعارف، اگر به صورت کلمات معمولی (بالقوه و بالفعل) زبان خوانده شود، همان سرواژه‌الگو و، اگر با تلفظ تک تک حروف آن خوانده شود، آغازسازی است.

در سرواژه‌سازی، صورت مکتوب ملاک است نه ملفوظ. یعنی سرواژه با حروف ساخته می‌شود نه با آواها. مثلاً وقتی کلمه‌ای در زبان انگلیسی با آوای «چ» آغاز می‌شود و آن را با ترکیب ch نشان می‌دهند، سرواژه با حرف c ساخته می‌شود<sup>۶</sup>. در آغازسازی یا الفباسازی، نام حروف را ملاک تلفظ قرار می‌دهند نه ارزش آوایی آن را؛ مثلاً MT را

1) prototypical acronym

2) prototypical alphabetism

3) initialism

۴) در این مقاله نیز، به پیروی از اغلب منابع، همان اصطلاح آغازسازی به کار رفته است.

۵) acronym نیز از acro- و onym- ساخته شده و ساختار آن شبیه «سرواژه» است.

۶) چون حرف و آوای آغازین کلمات در خط فارسی مطابقت دارند، این مورد در سرواژه فارسی منتفی است.

«ام تی» می‌خوانند. آرونوف سرواژه‌سازی را، به همین دلیل، فرایند تصنعی می‌داند.

(ARONOFF & FUDEMAN, p. 14)

### ویژگی‌های سرواژه‌سازی فارسی

برای سرواژه‌سازی فارسی می‌توان به سه ویژگی عمده قایل شد:

#### ۱. گرایش به ساختن سرواژه‌هایی شبیه به کلمات موجود

به نظر می‌رسد فارسی‌زبانان تمایل به ساختن سرواژه‌هایی دارند که شبیه کلمات بالفعل یا حداقل بالقوه زبان فارسی باشند. بدیهی است یادگیری و حفظ سرواژه‌هایی از این دست برای اهل زبان آسان‌تر است. نمونه‌های آن است:

بنیاد آبادانی، رشد و توسعه ایران ← باران؛ حرکت مقاومت اسلامی فلسطین ← حماس؛ سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها ← سمت؛ شرکت خدمات فرهنگی اداری بازرگانی جوانان رهپو سعادت ← جسر؛ مؤسسه خیریه حمایت از کودکان سرطانی ← مسخک؛ انجمن فرهنگی و اجتماعی غیردولتی زنان پیرو اهل بیت ← وفا.

#### ۲. پرهیز از ساختن سرواژه‌های دشواژه‌ای

در زبان فارسی، از ساختن سرواژه‌های دشواژه‌ای پرهیز می‌شود. یعنی دیدگاهی فرهنگی در سرواژه‌سازی فارسی وجود دارد. نمونه‌های آن است:

شیمیایی، میکروبی، راکتوری ← ش.م.ر (به جای شمر)؛ انجمن کتابداری ایران ← اکتا (به جای انکا)

#### ۳. اجتناب از آغازه‌سازی

یکی از مشکلات خط فارسی فقدان نشانه برای ضبط حرکات است. یادگیری تلفظ کلماتی که مصوت‌های /a/، /e/، /o/ در آنها به کار رفته باشد سمعی است. فقدان نشانه برای ضبط حرکات دو پیامد در سرواژه‌سازی دارد:

یکی آنکه سرواژه‌ها تا حدی دلبخواهی تلفظ شوند. می‌توان گفت حرکات مصوت‌های بالقوه‌ای هستند که به کار سهولت تلفظ می‌آیند. این امکان که بتوان مصوتی را به دلخواه در بین صامت‌ها قرار داد باعث شده که از آغازه‌سازی کمتر استفاده شود.

زیرا درج مصوّت اختیاری در بین حروف موجب می‌شود که سرواژه به صورت کلمه‌ای بالفعل یا بالقوه تلفّظ شود.

دیگر آنکه نداشتن نشانه برای ضبط حرکات از طرفی باعث چندگانگی تلفّظ می‌شود.<sup>۷</sup> این امر در مورد سرواژه‌هایی که شبیه الفاظ موجود فارسی است صدق نمی‌کند. ضمناً، از آنجایی که سرواژه‌های تخصّصی در حوزه خاصّی به کار می‌روند، به تدریج توافقی سماعی در بین اهل فن برای تلفّظ آنها به وجود می‌آید.

### سرواژه‌های مصوّب فرهنگستان زبان و ادب فارسی

در مجلّدهات اوّل تا هفتم فرهنگ واژه‌های مصوّب فرهنگستان، ۴۵۰ سرواژه انگلیسی وجود دارد که برای ۳۸ سرواژه از آنها معادل فارسی ساخته شده است. سرواژه‌های فارسی به چهار روش ساخته شده‌اند:

#### ۱. با انتخاب حرف اوّل کلمات:

نشانگان اکتسابی کمبود ایمنی ← ناکا (پزشکی)؛ رساننده خدمات کاربردی ← رُخک (رایانه)؛ خواست اکسیژن زیست‌شیمیائی ← خاز<sup>۸</sup> (محیط زیست)؛ خواست اکسیژن شیمیائی ← خاش (محیط زیست)؛ واگیشگاه آب جوشان ← واج (فیزیک)؛ نشست و برخاست کوتاه ← نوبک (حمل و نقل هوایی)؛ قرارداد انتقال پرونده ← قاپ (رایانه)؛ سامانه اطلاعات مکانی ← سام (نقشه‌برداری)؛ سامانه ارتباط داخلی ← ساد (نظامی).

این روش متعارف‌ترین شیوه سرواژه‌سازی در زبان انگلیسی است. از ۴۵۰ سرواژه انگلیسی فرهنگ واژه‌های مصوّب، حدود ۷۵ درصد به همین روش ساخته شده‌اند. از ۳۸ سرواژه مصوّب فارسی نیز ۲۰ سرواژه به همین شیوه ساخته شده‌اند.

۷) تلفّظ سرواژه‌ها گاهی بسته به تلفّظ اوّلین هجای آنهاست. مثلاً چون «شها» سرواژه «سرنگ هلال احمر ایران» است آن را به ضمّ تلفّظ می‌کنند. اما این قاعده در مورد سرواژه «أصفا» که برای «اصطلاح‌نامه فرهنگ فارسی» ساخته شده رعایت نمی‌شود و آن را به فتح تلفّظ می‌کنند. یا «مَجْمَع» که سرواژه «مَوَادِّ جَامِدِ مَعَلَّقِي» ثابت است به فتح هر دو میم تلفّظ می‌شود در حالی که میم دوم مضموم است.

۸) در این سرواژه، کلمه مرکّب زیست‌شیمیائی یک کلمه محسوب شده و فقط حرف اوّل آن یعنی «ز» در سرواژه وارد شده است. در سرواژه زنگام، که از زبان نشانه‌گذاری آبرمتنی ساخته شده، حرف اوّل «آبر» و «متن»، هر دو، در سرواژه وارد شده است.

## ۲. با انتخاب سرواژه برخی کلمات

برنامه ریزی فرض بنیاد ← برفاد (آینده پژوهی)؛ شنوایی سنجی پاسخ ساقه مغز ← پاسام (شنوایی سنجی).

## ۳. با انتخاب بخشی از کلمات

اکسیژن محلول ← اگیل (محیط زیست)؛ فراهم ساز خدمات یادگیری ← فرایاد<sup>۹</sup> (رایانه)؛ نمایشگر بلور مایع ← نماب؛ آموزش رایانه بنیاد ← آراب (رایانه)؛ فناوری اطلاعات و ارتباطات ← فاتا (رایانه)؛ بازده انتقال اکسیژن استاندارد ← بازاک (محیط زیست).

## ۴. با آغاز سازی

کشف دانش در دادگان ← ک.د.د (رایانه)؛ آموزش وب بنیاد ← آ.ب (رایانه).

به نظر می رسد دو ویژگی سرواژه سازی در زبان فارسی در سرواژه های مصوب فرهنگستان بتوان سراغ گرفت. سرواژه هایی نظیر رخک، خاز، خاش، واج، نوبک، قاپ منطبق با گرایش فارسی زبانان به ساختن سرواژه هایی است که به کلمات بالفعل یا بالقوه فارسی شبیه اند. ضمناً در ۳۸ سرواژه مصوب فرهنگستان فقط دو سرواژه (ک.د.د و آ.ب) با روش آغاز سازی ساخته شده اند. این معنی نیز با اجتناب فارسی زبانان از آغاز سازی همخوانی دارد.

### فهرست سرواژه های فارسی فرهنگ وائزه های مصوب فرهنگستان (دفترهای اول تا هفتم)

آ.ب. (رایانه) = آموزش وب بنیاد؛ آراب (رایانه) = فرض بنیاد؛ پاسام (شنوایی) = شنوایی سنجی	آموزش رایانه بنیاد؛ آفسن (رایانه) = آموزش پاساخ ساقه مغز؛ پهپاد (نظامی) = پرنده
فن بنیاد؛ اگیل (محیط زیست) = اکسیژن محلول؛	هدایت پذیر از دور؛ تک پس (رایانه) = تک نویس -
بازاک (محیط زیست) = بازده انتقال اکسیژن	پس خوان؛ خساز (محیط زیست) = خواست
واقعی؛ برفاد (آینده پژوهی) = برنامه ریزی	اکسیژن زیست شیمیایی؛ خاش (محیط زیست) =

۹) سرواژه هایی نظیر فرایاد را می توان، با تسامح، منحوته نیز دانست که تحت سازی شده اند. تحت سازی ساختن یک کلمه از چند کلمه است.

<p>اطّلاعات و ارتباطات؛ <b>قَرایاد</b> (رایانه) = فراهم‌ساز                  خدمات یادگیری؛ <b>قاپ</b> (رایانه) = قرارداد انتقال                  پرونده؛ <b>ک.د.د.</b> (رایانه) = کشف دانش در دادگان؛  <b>کَم‌جَم</b> (محیط زیست) = کُلّ موادّ جامد محلول؛  <b>گوار</b> (نظامی) = گروه واکنش اضطراری رایانه‌ای؛  <b>ماش</b> (رایانه) = مرکز اطّلاعات شبکه؛ <b>مَجَم</b>                  (محیط زیست) = موادّ جامد معلّق؛ <b>مَج‌مَت</b>                  (محیط زیست) = موادّ جامد معلّق ثابت؛ <b>ناکا</b>                  (پزشکی) = نشانگان اکتسابی کمبود ایمنی؛  <b>نَماب</b> (رایانه) = نمایشگر بلور مایع؛ <b>نوبک</b>                  (هوایی) = نشست و برخاست کوتاه؛ <b>واج</b>                  (فیزیکی) = واکنشگاه آب جوشان؛ <b>واکا</b>                  (پزشکی) = ویروس انسانی کمبود ایمنی.</p>	<p>خواست اکسیژن شیمیایی؛ <b>رُخک</b> (رایانه) =                  رساننده خدمات کاربردی؛ <b>ردا</b> (محیط زیست) =                  رسوبده الکترواستاتیکی؛ <b>رَسا</b> (رایانه) =                  رساننده سرویس اینترنتی؛ <b>زاس</b> (زمین‌شناسی) =                  زهاب اسیدی سنگ؛ <b>زام</b> (زمین‌شناسی) = زهاب                  اسیدی معادن؛ <b>زنگام</b> (رایانه) = زبان نشانه‌گذاری                  اَبَرمتنی؛ <b>ساب</b> (هوایی) = سرعت امن برخاست؛  <b>ساجاس</b> (مخابرات) = سامانه جهانی ارتباطات                  سیّار؛ <b>ساد</b> (نظامی) = سامانه ارتباط داخلی؛ <b>ساز</b>                  (نقشه‌برداری) = سامانه اطّلاعات زمین؛ <b>سام</b>                  (نقشه‌برداری) = سامانه اطّلاعات مکانی؛ <b>سَمَن</b>                  (عمومی) = سازمان مردم‌نهاد؛ <b>فا</b> (رایانه) =                  فناوری اطّلاعات؛ <b>فساتا</b> (رایانه) = فناوری</p>
---	--

## منابع

- Alqeo, John, "Abbreviation", *International Encyclopedia of Linguistics*, vol. 1, William Briqht (editor in chief), Oxford University Press, Oxford 1992.
- ARONOFF, Mark and Kirsten FUDEMAN (2005), *What is Morphology?*, Blackwell, Oxford.
- BAUER, L. (1996), *English Word-formation*, Cambridge University Press, Cambridge.
- CRYSTAL, D., *An Encyclopedic Dictionary of Language & Languages*, Blackwell, Oxford 1992.
- RUA, P. Lopez, "Nonmorphological Word Formation", *Encyclopedia of Language & Linguistics*, Keith BROWN (ed.), Elsevier, Amsterdam 2006.
- TRASK, R. L., *A Dictionary of Grammatical Terms in Linguistics*, Routledge, London 1993.

